

مقدمه

کتاب «درسنامه علوم قرآنی سطح ۲»، ویرایش دوم، چاپ هشتم، نوشته استاد حسین جوان آراسته (قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۴ ش) با موضوع علوم قرآن برای گروه تخصصی طلاب و دانشجویان در دو سطح ۱ و ۲ نوشته شده است و همان طور که ناشر محترم در مقدمه چاپ هشتم آن بیان کرده، این کتاب توانسته است خلأ متن مناسب آموزشی را در مراکز حوزوی و دانشگاهی جبران نماید. این کتاب به لحاظ برخورداری از مسائل علوم قرآنی به زبان های عربی و انگلیسی نیز ترجمه شده است.<sup>۱</sup>

کتاب درسنامه علوم قرآنی سطح ۲ در ده بخش کلی و چندین فصل تنظیم شده است. بخش چهارم آن با عنوان «تاریخ قرآن» به تدوین قرآن اختصاص یافته است.

همان طور که در فصل اول این بخش آمده، یکی از دقیق ترین مباحث علوم قرآنی، بررسی تاریخی نگارش و تدوین قرآن است. هر مسلمانی علاقه مند است با تاریخچه کتاب دینی خود آشنا شود (ص ۱۴۲). با توجه به این مطلب عقلایی، برآنیم مقاطع و گوشه هایی از تاریخ جمع و تدوین قرآن را در این کتاب بازخوانی نموده، مورد توجه و بررسی دوباره قرار دهیم تا حقایق و واقعیت های بیشتری در این زمینه آشکار شود و بر غنای بیشتر این کتاب (درسنامه علوم قرآنی) افزوده گردد.

اختلاف قرآن پژوهان

مسئله مورد اختلاف بین قرآن پژوهان در مبحث تدوین و جمع قرآن، این است که آیا قرآن در زمان ابوبکر به صورت مصحف (میان دو جلد) مرتب شده است یا خیر؟ مؤلف محترم کتاب درسنامه در پی اثبات این مطلب است که قرآن در زمان خلافت ابوبکر، به صورت مصحف و بین الدفتین درآمده است. اما نوشتار حاضر در پی پاسخ به پرسش طرح شده، به نقد دیدگاه مؤلف پرداخته، اثبات می کند این کار در زمان خلافت خلیفه اول صورت نگرفته است.<sup>۲</sup>

آنچه در پی می آید، نکاتی درباره فصل های دوم و سوم از بخش چهارم این کتاب (تاریخ قرآن ۳، تدوین قرآن) است.

نقد و بررسی کتاب

نقدی بر کتاب «درسنامه علوم قرآنی»

شمس الله معلم کلایی دانش آموخته حوزه علمیه قم و کارشناس ارشد تفسیر و علوم قرآن مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی

چکیده: کتاب درسنامه علوم قرآنی نوشته آقای حسین جوان آراسته، کتابی با موضوع علوم قرآنی و برای گروه تخصصی طلاب و دانشجویان در دو سطح ۱ و ۲ به رشته تحریر درآمده است. کتاب مذکور در ۱۰ بخش کلی و چندین فصل، تنظیم گشته که بخش چهارم آن با عنوان تاریخ قرآن، به موضوع تدوین قرآن اختصاص یافته است. نویسنده در مقاله حاضر تلاش نموده است فصل های دوم و سوم از بخش چهارم کتاب را مورد بازخوانی قرار داده و به این ترتیب، گوشه هایی از تاریخ جمع آوری و تدوین قرآن را مورد مذاقه و کنکاش قرار دهد. نویسنده در راستای هدف خویش، بعد از بیان ۴ ویژگی و امتیاز کتاب کاستی های آن از قبیل فرقی نگذارتن میان دو واژه صحف و مصحف، تکیه بر احتمالات و عدم ارائه دلیل متقن، استفاده نکردن از منابع دست اول، عدم رعایت منظم شیوه درسنامه نویسی و ... را برمی شمارد.

کلیدواژه: کتاب درسنامه علوم قرآنی، نقد کتاب، تاریخ تدوین قرآن

۱. حسن پویا؛ «معرفی اجمالی»، فصلنامه بینات؛ ش ۴۵، بهار ۱۳۸۴، ص ۱۹۶.  
 ۲. مقاله حاضر در پی اثبات زمان تدوین مصحف نیست.

## چند یادآوری

قبل از بیان نقد، لازم است به برخی نکات توجه شود:

۱. تمام قرآن به طور قطع، در زمان حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نوشته شد و آیات هر سوره مشخص گردید.
۲. روایات مربوط به جمع قرآن در زمان خلیفه اول از منابع اهل سنت بوده،<sup>۳</sup> در منابع شیعی روایتی در این زمینه یافت نشده است و آنچه که در بحارالانوار و سایر کتب شیعه آورده از همان منابع می باشد.<sup>۴</sup>
۳. مراد از جمع آوری قرآن در این مقاله، جمع به صورت مصحف و بین الدفتین است.
۴. شماره صفحاتی که در متن ارجاع داده شده، مربوط به کتاب درسنامه علوم قرآنی است.

## ویژگی ها و امتیازهای این کتاب

۱. داشتن متنی روان و زودفهم؛
۲. تنظیم و دسته بندی دقیق و منطقی مطالب هر قسمت؛
۳. انتخاب عناوین گویا؛
۴. بیان اهداف آموزشی و برخی از منابع مهم در ابتدای هر بخش و نیز بیان خلاصه هر قسمت در پایان آن که راهی هموار برای درک خواننده ایجاد می کند.

## کاستی ها و ضعف ها

کتاب درسنامه علوم قرآنی علاوه بر امتیازهای گفته شده، کاستی هایی نیز دارد که به برخی از آنها اشاره می شود.

## تفاوت نگذاشتن بین دو واژه «صُحُف» و «مُصْحَف»

نویسنده محترم درسنامه بر این عقیده است که واژه «صُحُف» تفاوتی با واژه «مُصْحَف» ندارد، و اینکه در برخی از روایات به جای مصحف از واژه صحیفه استفاده شده، «نشانه این حقیقت است که صحف و مصحف به اقتضای مورد استعمالشان به معنای یکدیگر به کار می رفته اند» (ص ۱۸۴). در مورد این مطلب باید گفت: ثابت نشده است که واژه صحیفه همان معنای مصحف را داشته باشد. از سوی دیگر بین این دو واژه چه در لغت و چه در اصطلاح تفاوت وجود دارد. صحیفه مفرد صُحُف و صُحُف است، در لغت، یعنی هر آنچه در آن چیزی نوشته باشند<sup>۵</sup> و به معنای تکه ای از کاغذ یا پوست و... است که در آن چیزی مکتوب باشد.<sup>۶</sup> مصحف، جمع آن مصاحف و در لغت، چیزی

است که در آن، صحیفه ها قرار دارند؛ یعنی چیزی که دارای دو جلد بوده و در آن اوراق، جمع آوری و نگهداری می شود،<sup>۷</sup> و در اصطلاح مراد از صحف، ورقه هایی است که در آنها آیات قرآن به صورت منظم جمع شده اند، و مراد از مصحف، ورقه هایی است که در آن آیات هر سوره و نیز تمامی سوره ها به ترتیب و پشت سر هم قرار گرفته اند.<sup>۸</sup>

واژه مصحف در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه وآله کاربرد فراوان داشته، تعبیر رایجی بوده است؛ حتی خود ایشان نیز از قرآن های موجود در آن زمان به مصحف تعبیر کرده اند نه صحیفه؛ برای نمونه به دو روایت اشاره می شود: «عن عثمان بن عبدالله بن أوس الثقفی عن جده قال: قال رسول الله: قراءة الرجل في غير المصحف ألف درجة وقراءة في المصحف تضاعف على ذلك ألفی درجة»؛ خواندن قرآن از روی غیر مصحف هزار درجه و از مصحف دو هزار درجه دارد.<sup>۹</sup> همچنین فرمودند: «أعطوا أعینکم حظها من العبادة النظر فی المصحف»؛ بهره عبادت چشمان خود را با نگاه به مصحف پرداخت کنید.<sup>۱۰</sup>

ابن مسعود نیز از قرآن، به مصحف تعبیر کرده، گفته است: «أدیموا النظر فی المصحف».<sup>۱۱</sup> ابن قتیبه نیز در کتاب خود از مصحف ابن مسعود و ابی سخن گفته است.<sup>۱۲</sup>

اما از آنجا که در زمان ابوبکر، زید نتوانست سوره ها را تنظیم و تدوین کند، نمی توان جمع وی را مصحف نامید، بلکه او فقط توانست صحف را جمع و آیات هر سوره را مرتب کند؛ چنان که عثمان نیز به این مطلب توجه نموده، از جمع زید به «صُحُف» یاد کرد، و قرآن خود را «مصحف» نامیده است. در همین راستا بخاری می گوید: «عثمان از حفصه درخواست کرد صحیفه های نزد خود را برای نسخه برداری در مصاحف به وی واگذار نماید».<sup>۱۳</sup> در این عبارت، عثمان از قرآن ابوبکر

۷. الخلیل بن احمد الفراهیدی؛ العین. ابن منظور؛ لسان العرب و ابوالقاسم الراغب الاصفهانی؛ المفردات فی غریب القرآن؛ ذیل «صحف».

۸. رک: محمد عبدالعظیم الزرقانی؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن؛ ج ۱؛ المبحث العاشر، ص ۲۰۹. ابوعبدالله الزنجانی؛ تاریخ القرآن؛ صص ۹۷ و ۱۲۶. ابن حجر العسقلانی؛ فضائل القرآن؛ ص ۴۰-۴۱. علامه طباطبایی نیز مصحف را اوراق و اجزای یک کتاب و مصحف می داند نه خود مصحف (رک: محمد حسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۲، ص ۲۳۷).

۹. عبدالله الزرکشی؛ البرهان فی علوم القرآن؛ ج ۱، ص ۴۶۲. علی بن ابی بکر الهیثمی؛ مجمع الزوائد؛ ج ۷، ص ۱۶۵ و علاء الدین علی المتقی الهندی؛ کنز العمال؛ ج ۱، ص ۵۱۶.

۱۰. علاء الدین علی المتقی الهندی؛ همان، ص ۵۱۰.

۱۱. علی بن ابی بکر الهیثمی؛ پیشین.

۱۲. رک: عبدالله ابن قتیبه؛ تأویل مشکل القرآن؛ ص ۳۴.

۱۳. فآرسل عثمان إلى حفصة أن أرسلی إلینا الصحف ننسخها فی المصاحف ثم نردھا إليك، فأرسلت بها إلیه، فأمر زید بن ثابت و عبدالله بن الزبیر و سعد بن ابی وقاص و عبدالرحمن بن الحارث بن هشام فنسخوها فی المصاحف... ففعلوا حتی إذا نسخوا الصحف فی المصاحف رد عثمان الصحف إلى حفصة، وأرسل فی کل أقیق به مصحف مما نسخوا، وأمر بما سواه من القرآن فی کل صحیفه أو مصحف أن یحرق (محمد بن اسماعیل بخاری؛ صحیح البخاری؛ ج ۶، ص ۹۹. نیز رک: علی بن ابی الکریم ابن الأثیر؛ الکامل فی تاریخ؛ ج ۳، ص ۱۱۲. محمد بن احمد الذهبی؛ تاریخ الامم؛ ج ۳، ص ۲۷۶. عبد الرحمن بن محمد ابن خلدون؛ دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ؛ ج ۲، ص ۵۸۲ و احمد بن الحسین البیهقی؛ سنن الکبری؛ ج ۲، ص ۴۱).

۲. رک به؛ محمد بن اسماعیل بخاری؛ صحیح بخاری؛ جلد ۱۸، ص ۱۱۸؛ السنن الکبری؛ احمد بن علی نسائی؛ ج ۵، ص ۷ و ۸.

۴. رک: محمد باقر مجلسی؛ بحار الآثار؛ ج ۸۹، ص ۷۵.

۵. ابن منظور؛ لسان العرب و ابوالقاسم الراغب الاصفهانی؛ المفردات فی غریب القرآن؛ ذیل «صحف».

۶. فخرالدین آل طریحی؛ مجمع البحرین؛ ذیل «صحف».



به صحیفه تعبیر کرده نه مصحف؛ ولی در همان حال از قرآن دیگری که خود در حال تنظیم آن بود، به مصحف یاد کرده است. این نشان می‌دهد در آن عصر صحیفه غیر از مصحف بوده است. ابن عبد البر نیز گفته است: «ابوبکر دستور داد زید قرآن را در صحیفه‌هایی جمع کند و وی نیز آیات را در این صحیفه‌ها نوشت».<sup>۱۴</sup>

سیوطی می‌گوید: «آیات را طبق آنچه پیامبر فرموده بودند، در صحیفه‌هایی گردآوری کردند»، و اسمی از مصحف نمی‌برد.<sup>۱۵</sup>

با توجه به مطالب بالا روشن می‌شود این دو واژه به جای یکدیگر به کار نرفته‌اند.

از سوی دیگر اگر کلام نویسنده محترم قبول شود، همین احتمال درباره مصحف ابوبکر نیز جاری است؛ یعنی همان طور که به صحیفه‌های زمان پیامبر، مصحف گفته شده، این احتمال نیز وجود دارد که به صحیفه‌های ابوبکر نیز مجازاً مصحف اطلاق شده باشد.

### تکیه بر احتمالات و عدم ارائه دلیل متقن

در قسمت دیگری از این کتاب (ص ۱۸۵) در توجیه مصحف بودن قرآن جمع‌آوری شده توسط زید، سه امر به عنوان «دلایل متعدد» ذکر شده است که مستند به مدرکی نبوده، صرفاً نوعی برداشت و احتمال است. پس شایسته و بلکه بایسته است به جای واژه دلیل، از کلماتی همچون اموری یا احتمال استفاده شود.

در دلیل دوم آمده است: «هدف از این اقدام زید و دستور ابوبکر، حفظ قرآن از ضایع شدن بوده است و این مهم با تنظیم قرآن، بین الدفتین بهتر تأمین می‌شد» (ص ۱۸۵). درباره این توجیه چند مطلب قابل ذکر است:

۱. اگر خوف ضایع شدن قرآن در نظر ابوبکر بود، آیا این مهم در ذهن هیچ کدام از صحابه دیگر نبوده است؟ آیا کسانی همچون عبدالله بن مسعود یا حضرت علی علیه السلام چنین امری به ذهنشان نرسیده بود؟ وانگهی صحیفه‌های موجود در منزل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دسترس بود؛ چرا همان را مرتب و مدوّن نکردند؟ و چرا قرآن مدوّن امام علی را به کناری نهادند تا مسلمانان یک سال از این مهم محروم شوند؟

۲. صرف مهم بودن، دلیل تنظیم قرآن بین الدفتین نمی‌شود، بلکه چون بحث تاریخی است، باید مدارک تاریخی ارائه شود. آنچه منابع نشان می‌دهند، این است: نهایت کار زید، صرفاً جمع‌آوری آیات بود نه تدوین و قراردادن آیات بین الدفتین. از این رو برخی با منکر شدن مصحف ابوبکر، کار تدوین را به زمان عثمان نسبت داده، گفته‌اند: مراد از جمع ابوبکر، نسخه برداری از آیات و نوشتن

آنها بر روی صحیفه‌هاست و مراد از جمع در زمان عثمان، قراردادن آنها بین الدفتین است.<sup>۱۶</sup> بنابراین کار زید فقط جمع صحیفه‌ها و اوراق بوده است. پس در واقع در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، قرآن جمع‌آوری شد و در زمان ابوبکر نسخه برداری گردید.<sup>۱۷</sup> برخی دیگر نیز در تأیید این کلام، کتابت قرآن را دو مرحله‌ای دانسته، اظهار کردند: در مرحله اول که زمان ابوبکر رخ داد، آیات بر روی صحیفه‌ها و نوشت افزارهای خاصی مکتوب شد.<sup>۱۸</sup> اما مرحله دوم جمع‌آوری این صحیفه‌ها و قراردادن آنها در یک مصحف واحد بوده است که در زمان عثمان واقع شد.<sup>۱۹</sup> گروهی نیز تصریح کردند ابوبکر فقط توانست آیات هر سوره را منظم کند و توانست سوره‌ها را مرتب سازد.<sup>۲۰</sup>

۱۶. گفتنی است نگارنده در صدد تأیید نظریه قرار گرفتن قرآن بین الدفتین در زمان عثمان، نیست و آنچه در متن آمده، صرفاً نقل قول است، نه قبول قول.

۱۷. لآنه مجموع علی زمن الرسول و منسوخ فی زمن ابی بکر (عبد القادر ملاحظه آله غازی؛ بیان المعانی؛ ج ۱، ص ۲۸-۳۱).

۱۸. واقتصر الجمع فی عهد ابی بکر علی أنه جمع القرآن فی صحف خاصة، بعد أن كان متفرقا فی صحف عديدة (وهبة زحیلی؛ التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج؛ ج ۱، ص ۲۲).

۱۹. محمد شرعی ابوزید؛ جمع القرآن؛ ص ۱۰.

۲۰. أنه كان مرتب الآيات دون السور (محمد بن محمد شرعی ابوزید؛ جمع القرآن؛ ص ۱۱۳). ابن جزیری نیز گفته است: «فجمعه فی صحف غیر مرتب السور» (محمد بن احمد ابن جزیری؛ التسهیل لعلوم التنزیل؛ ج ۱، ص ۵). سیوطی نیز گفته است: «فجمعه فی صحائف مرتباً لآیات سوره» (جلال الدین السیوطی؛ الإثقان فی علوم القرآن؛ ج ۱، نوح ۱۸، صص ۱۲۰ و ۱۲۴). مرحوم آیت الله معرفت نیز معتقد

۱۴. زک: یوسف بن عبد البر؛ الاستیعاب فی معرفة الأصحاب؛ ج ۲، ص ۵۳۹.

۱۵. فجمعه فی صحائف مرتباً لآیات سوره علی ما وقفهم علیه النبی (جلال الدین السیوطی؛ الإثقان فی علوم القرآن؛ ج ۱، نوح ۱۸، ص ۱۲۰).

مصحف خود پرداختند و در تمامی بلاد مسلمین مصحف آنان بر سر زبان‌ها بود؛ مثلاً اهل کوفه مصحف ابن مسعود را قرائت و اهل شام از مصحف آبی پیروی می‌کردند. در حتمّص نیز قرائت مقدار و در بصره مصحف ابوموسی به نام لباب القلوب مشهور و مقروء بود،<sup>۲۲</sup> و اسمی از صحیفه‌های گردآوری شده توسط زید نبود.

خلاصه آنکه قرآن حکومتی، در طی این پانزده سال در اختیار مردم مسلمان قرار نگرفت و از کلام دوازدهمین چنین برداشت می‌شود که مقام خلافت، خود آن را در اختیار امت قرار نداده است.

یکی دیگر از نقاط تاریک مبحث تدوین مصحف آن است که در روایتی از ابوشامه آمده است: آیه آخرسوره برائت (توبه)، «لقد جاءکم رسول من أنفسکم» را فقط نزد ابوخزیمه انصاری یافتند و فرد دیگری آن را به صورت مکتوب نزد خود نداشت،<sup>۲۵</sup> و نویسنده محترم نیز آن را در صفحه ۱۷۷ از قول سیوطی و زرقانی نقل و قبول تلقی کرده است. در مورد این مطلب، این سؤال مطرح می‌شود که با آنکه پیامبر اکرم ﷺ چند کاتب وحی داشت و ایشان هر آیه‌ای را که نازل می‌شد، به حضرت علی انشاء می‌کردند و آن حضرت نیز می‌نوشتند، پس چرا این آیه فقط نزد ابوخزیمه بود و سایر کاتبان وحی آن را به صورت

مکتوب نداشتند؟! از سوی دیگر مؤلف محترم در پاورقی صفحه ۱۸۷ بیان می‌کند: «در روایت آمده است که [أبئی] تمامی قرآن را بر آن حضرت [پیامبر اکرم ﷺ] عرضه نمود». با توجه به اینکه وی از کاتبان وحی بوده است، این مطلب که این آیه فقط نزد ابوخزیمه بوده است، مشکوک و مردود به نظر می‌رسد.

### استفاده نکردن از منابع دست اول

استفاده از منابع متقن و دست اول، یکی از ویژگی‌های تحقیق است که سبب می‌شود کار پژوهشی از وزانت خاصی برخوردار شود و قابل اعتمادتر گردد. مؤلف در «برخی موارد» از منابع دست اول (قدیمی‌تر) استفاده نکرده است که به برخی از آنها اشاره می‌گردد. مثلاً منبع ایشان درباره خانه نشینی امام علی علیه السلام بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و نوشتن قرآنی بر اساس ترتیب نزول و ارائه آن به مردم، کتاب قرآن در اسلام است (ص ۱۶۳). این در حالی است منابع قدیمی‌تر و دست اول همچون کنز العمال هندی،<sup>۲۶</sup> الفهرست

بنابراین تدوین به معنای مرتب کردن سوره‌ها و قراردادن آنها میان دو جلد، قطعاً در زمان ابوبکر صورت نگرفته است و زید فقط آیات را بازنویسی کرد.<sup>۲۱</sup>

در دلیل سوم لزوم وجود مصحف در زمان ابوبکر آمده است: «لازمه اینکه جمع ابوبکر، جمع صحف باشد، این است که پس از رحلت پیامبر، حدوداً پانزده سال بگذرد و هیچ یک از خلیفه اول و دوم، قرآن را در مصحفی گردآوری نکرده باشند» (ص ۱۸۵-۱۸۶). در نقد این

مطلب باید گفت: اگر در این پانزده سال مردم به قرآن حکومتی دست نیافته باشند، آیا مشکلی در بین مردم رخ می‌داد؟! بسیاری از مردم قرآن را از حفظ و برخی نیز نوشته‌هایی از آیات را در اختیار داشتند؛ به خصوص اینکه کاتبان وحی نیز در میان مردم بودند. از سوی دیگر گروه تدوین، قرآن تهیه شده را در اختیار مسلمانان قرار نداد، بلکه بعد از نوشته شدن، آن را به ابوبکر و او نیز به عمر و در نهایت به حفصه دختر عمر سپرد: «کانت الصحف عند أبي بكر حيا حتى توفاه الله عز وجل ثم عند حفصه بنت عمر».<sup>۲۲</sup> در این مدت پانزده سال نیز حتی یک بار آن را در محل دید و منظر مسلمانان قرار ندادند و کسی نتوانست از این قرآن استفاده کرده، بهره‌ای ببرد؛ تا جایی که «دراز»

نیز داد سخن سرداد که قرآن حکومت، کار شخصی و فردی بوده است؛ از این رو صحابه نیز به آن اعتنایی نکرده،<sup>۲۳</sup> هر کدام به ترویج

است: زید صرفاً آیات هر سوره را جمع کرد و به ترتیب سوره‌ها اقدام نکرده است: «لم یکن جمع زید مرتباً ولا منظمًا کمصحف... فدونت فی صحف وجعلت فی اضبارة (فی ملقة) وادعت عند ابي بكر مدة حيا ثم عند عمر» (محمد هادی معرفت: تلخیص التمهید؛ ج ۱، ص ۱۴۴/ همو: التمهید؛ ج ۱، ص ۲۸۶). بدین ترتیب زید... هر سوره‌ای را که کامل می‌شد؛ در صند و قیحه مانند از چرم به نام «زبعة» قرار می‌داد تا آنکه سوره‌ها یکی پس از دیگری کامل شد؛ ولی هیچ گونه نظم و ترتیبی بین سوره‌ها به وجود نیامد (همو: علوم قرآنی؛ ص ۱۲۵).

۲۱. برای اطلاع بیشتر در این زمینه؛ رک: شمس الله معلم کلاسی؛ «تدوین مصحف یا بازنویسی آیات»؛ ماهنامه معرفت؛ ش ۱۵۲، ص ۵۹.

۲۲. سیوطی می‌گوید: آیات را طبق آنچه پیامبر ﷺ فرموده بودند، در صحیفه‌هایی گردآوری کردند، و اسمی از مصحف نمی‌برد: «فجمعه فی صحائف مرتباً لآیات سوره علی ما وقفهم علیه النبی» (جلال الدین السیوطی؛ الإئقان فی علوم القرآن؛ ج ۱، نوع ۱۸، ص ۱۲۰). نیز رک: محمد بن اسماعیل بخاری؛ صحیح البخاری؛ ج ۸، ص ۱۱۸. جلال الدین السیوطی؛ الإئقان فی علوم القرآن؛ ج ۱، ص ۱۶۱. ابراهیم ابیاری؛ الموسوعة القرآنیة؛ ج ۱، ص ۳۴۹ و ج ۳، ص ۶۳. ابن حجر عسقلانی؛ فتح الباری بشرح صحیح البخاری؛ ج ۹، ص ۱۰. أحمد بن محمد بن أبی بک رابن خلکان؛ وفيات الأعیان و أنباء أبناء الزمان؛ ج ۳، ص ۶۸. عبدالله الزرکشی؛ البرهان فی علوم القرآن؛ ج ۱، ص ۲۳۴ و جلال الدین السیوطی؛ الإئقان فی علوم القرآن؛ ج ۱، نوع ۱۸، ص ۱۱۷ و محمد بن عبدالله ابن العربی؛ أحكام القرآن؛ ج ۲، ص ۶۰۸.

۲۳. و لکن رغم ما عند الخلیفتین الأولین أسیغ علیه الطایع الفردی او الشخصی بعض الشیء، و لم یصحیح وثیقة للبشر كافة الا من یوم نشره، و لکن فرصة نشره لم تتح الا فی خلافة عثمان بعد معارک أرمینیة و أذربیجان (محمد عبدالله دراز؛ مدخل الی القرآن الکریم؛ ص ۳۸. به نقل از محمد حسین علی الصغیر؛ تاریخ القرآن؛ ص ۸۲).

۲۴. رک: علی بن ابی الکریم ابن الأثیر؛ الکامل فی التاریخ؛ ج ۳، ص ۱۱۱.

۲۵. محمد بن اسماعیل بخاری؛ صحیح البخاری؛ ج ۸، ص ۱۱۸.

۲۶. علاء الدین علی المتقی الهندی؛ کنز العمال؛ ج ۲، ص ۵۸۸، ش ۴۷۹۲ و ج ۱۳، ص ۱۲۷.

ابن ندیم،<sup>۲۷</sup> تاریخ یعقوبی،<sup>۲۸</sup> الاستیعاب ابن عبد البر<sup>۲۹</sup> و المصاحف سجستانی<sup>۳۰</sup> در این زمینه وجود دارند.

درباره جنگ یمامه و پیامدهای آن (ص ۱۷۳) می‌توانست به صحیح بخاری ارجاع دهد.<sup>۳۱</sup> نیز درباره تشکیل کارگروه ۲۵ نفری زید و عرضه صحیفه‌ها بر سعید بن عاص، در تاریخ یعقوبی مطالبی بیان شده است؛<sup>۳۲</sup> اما مؤلف این مطلب تاریخی را به تفسیر المیزان ارجاع داده است (ص ۱۷۵). نکته درخور توجه آنکه در تاریخ یعقوبی و به تبع آن در تفسیر المیزان آمده است: زید نوشته‌های خود را به سعید بن عاص عرضه کرد. این در حالی است که سعید در زمان رحلت پیامبر اکرم، کودکی بیش نبود و فقط نه سال داشت و در زمان تدوین مصحف تقریباً ده، یازده ساله بود؛ پس نمی‌توانست در دستگاه ابوبکر مشغول به کار باشد.<sup>۳۳</sup>

- مؤلف درباره کیفیت جمع قرآن توسط زید بن ثابت با استناد به کتاب قرآن در اسلام آورده است: گروه تدوین پس از جمع‌آوری آیات در یک مصحف، نسخه‌هایی از آن را به اطراف و اکناف فرستادند (ص ۱۷۵). درباره این مطلب باید گفت: چنین مطلبی در جایی ثابت نشده است، بلکه مدارکی برخلاف آن وجود دارد؛ حتی برخی تصریح کردند که پس از تکمیل کار زید، فقط یک نسخه از این قرآن تهیه شد و در اختیار مقام خلافت قرار گرفت<sup>۳۴</sup> و این اوراق در زمان حیات وی نزد او بود و پس از آن به عمر داده شد، و در آن اشاره نشده که در زمان خلیفه اول یا دوم نسخه‌هایی به اطراف و اکناف فرستاده شده باشد.<sup>۳۵</sup>

#### شیوه در سنامه نویسی

همانگونه که بیان شد، ارائه اهداف آموزشی درس، منابع درسی و نیز عنوان کردن «گزیده مطالب» از امتیازات این کتاب است؛ اما آنچه در این میان اهمیت دارد، این است که پس از هر درسی تعدادی سؤال مهم و چند مورد پژوهشی نیز به آن اضافه گردد. مؤلف محترم گرچه در مواردی به این امر توجه داشته است، مثلاً در صفحه ۷۵، پنج پرسش و پژوهش، و نیز در صفحه‌های ۲۳۰ و ۲۳۱ بیست سؤال و پنج پژوهش

از دانش پژوه خواسته شده است و همچنین در صفحه ۳۸۵ و... و ولی این روند به صورت منظم و فراگیر نبوده، در همه جا این مسئله رعایت نشده است؛ برای نمونه در صفحه ۲۴۸ نه سؤالی مطرح شده و نه پژوهش و تحقیقی، و همین‌طور در صفحه‌های ۸۶، ۱۶۶، ۲۱۴، ۲۵۵، ۲۷۴، ۳۳۳ و... .

#### مقتضای ادب

در صفحه ۱۶۳ در عبارتی آمده است: «نقل شده که علی ابن ابی طالب پس از مرگ پیامبر صلی الله علیه وآله قرآن را به مدت شش ماه جمع‌آوری نمود». ادب اقتضا می‌کند که برای درگذشت بزرگان دین به ویژه پیامبر عظیم‌الشان اسلام، از واژه «رحلت» یا «وفات» استفاده گردد.

#### خلاصه، نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف) قرآن در زمان خلافت ابوبکر به صورت مصحف و بین‌الدفتین در نیامد، بلکه اوفقط توانست آیات هر سوره را که در نوشت افزارهای مختلف مکتوب بود، به طور جداگانه و در یک نوع نوشت افزار جمع کند، ولی نتوانست بعد از آن سوره‌ها را مرتب سازد و میان دو جلد قرار دهد.

ب) قرآن حکومتی قرآنی شخصی بود؛ همانند سایر صحابه که برای خود قرآنی داشتند و مقام خلافت برای اینکه موقعیت خود را در میان مردم تثبیت سازد دست به این کار زد؛ لذا کاری صرفاً سیاسی بود.

ج) قرآن تهیه شده در اختیار هیچ مسلمانی قرار نگرفته و مردم نتوانستند از آن بهره ببرند (تا زمان خلافت عثمان).

د) نتیجه آنکه نباید ذهن دانش پژوهان را به چیزی که اشکالات متعددی بر آن وارد است و از سوی هیچ‌کس نثار نمی‌شود، مشوش ساخت.

ه) با توجه به توانایی مؤلف محترم در سنامه علوم قرآنی، پیشنهاد می‌شود: بحث تدوین مصحف بازنگری و بازنویسی گردد.

و) پیشنهاد می‌شود بحث انگیزه جمع قرآن توسط ابوبکر و نیز انگیزه کنار گذاشتن مصحف امام علی علیه السلام، به طور جدی مطرح شود و مورد بررسی قرار گیرد.

۲۷. محمد بن إسحاق أبو الفرج الندیم؛ الفهرست؛ ج ۱، ص ۴۱.

۲۸. أحمد بن أبی یعقوب الیعقوبی؛ تاریخ الیعقوبی؛ ج ۲، ص ۱۳۵.

۲۹. یوسف ابن عبد البر؛ الاستیعاب؛ ج ۳، ص ۹۷۴.

۳۰. ابن ابی داود السجستانی؛ المصاحف؛ ج ۱، ص ۳۶.

۳۱. محمد بن اسماعیل بخاری؛ صحیح بخاری؛ ج ۸، ص ۱۱۸.

۳۲. أحمد بن أبی یعقوب الیعقوبی؛ تاریخ الیعقوبی؛ ج ۲، ص ۱۳۵.

۳۳. أبو الفداء ابن کثیر؛ البدایة و النهایة؛ ج ۸، ص ۸۳.

۳۴. فهد بن عبد الرحمن بن سلیمان الرومی؛ جمع القرآن الکریم فی عهد الخلفاء الراشدين؛ ص ۱۳.

۳۵. زید می‌گوید: کانت الصحف عند أبی بکر حیاته حتی توفاه الله عزوجل ثم عند عمر حیاته حتی توفاه الله ثم عند حفصة بنت عمر (رک: محمد بن اسماعیل بخاری؛ صحیح البخاری؛ ج ۸، ص ۱۱۸. جلال الدین السیوطی؛ الإتهان فی علوم القرآن؛ ج ۱، ص ۱۶۱ و ایراهیم ایبازی؛ الموسوعة القرآنیة؛ ج ۱، ص ۳۴۹ و ج ۳، ص ۶۳).

## منابع

۱. ابن الأثیر، علی بن ابی الکرم؛ الکامل فی التاریخ؛ بیروت: دار صادر، ۱۳۸۵ق.
۲. ابن العربی، محمد بن عبد الله؛ أحكام القرآن؛ لبنان: دار الفکر، [بی تا].
۳. ابن جزیری الغرناطی الکلبی، محمد بن احمد؛ التسهیل لعلوم التنزیل؛ الطبعة الرابعة، لبنان: دار الکتب العربی، ۱۴۰۳ق.
۴. ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد؛ دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب والبربر ومن عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر؛ الطبعة الثانية، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۸ق.
۵. ابن خلکان، احمد بن محمد بن أبی بکر؛ وفيات الأعیان و أنباء أبناء الزمان؛ بیروت: دار صادر، [بی تا].
۶. ابن عبد البر، یوسف؛ الاستیعاب فی معرفة الأصحاب؛ تحقیق علی محمد البجاوی؛ الطبعة الأولى، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ق.
۷. ابن قتیبة، عبد الله؛ تأویل مشکل القرآن؛ [بی جا]، [بی تا]، [بی تا].
۸. ابن کثیر الدمشقی، أبو الفداء اسماعیل بن عمر؛ البداية والنهاية؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۷ق.
۹. ابن منظور، أبو الفضل جمال الدین محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ بیروت: دار الفکر، [بی تا].
۱۰. ابیاری، ابراهیم؛ الموسوعة القرآنیة، [بی جا]، مؤسسة سجل العرب، ۱۴۰۵ق.
۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ صحیح البخاری؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۱ق.
۱۲. بیهقی، أبویکر احمد بن الحسین بن علی؛ السنن الکبری؛ الطبعة الأولى، هند، [بی تا]، ۱۳۲۴ق.
۱۳. أبو الفرج النذیم، محمد بن إسحاق؛ الفهرست؛ بیروت: دار المعرفة، ۱۳۹۸ق.
۱۴. پویا، حسن؛ «معرفی اجمالی»؛ فصلنامه بنات؛ ش ۴۵، بهار ۱۳۸۴.
۱۵. ذهبی، محمد بن احمد؛ تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والأعلام؛ الطبعة الثانية، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۱۳ق.
۱۶. راغب الاصفهانی، أبو القاسم؛ المفردات فی غریب القرآن؛ الطبعة اولی، دمشق و بیروت: دار العلم والدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
۱۷. رومی، فهد بن عبد الرحمن؛ جمع القرآن الکریم فی عهد الخلفاء الراشدين؛ نرم افزار المکتبة الشاملة، الاصدار الثاني.
۱۸. زحیلی، وهبة بن مصطفى؛ التفسیر المنیر فی العقيدة والشریعة والمنهج؛ الطبعة الثانية، بیروت و دمشق: دار الفکر، ۱۴۱۸ق.
۱۹. زرقانی، محمد عبد العظیم؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن؛ الطبعة الثالثة، الناشر البابی، نرم افزار المکتبة الشاملة، الاصدار الثاني.
۲۰. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبد الله؛ البرهان فی علوم القرآن؛ الطبعة الأولى، [بی جا]، دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۶ق.
۲۱. زنجانی، ابو عبد الله؛ تاریخ القرآن؛ الطبعة الأولى، دمشق: دار الحکمة، ۱۴۱۰ق.
۲۲. سجستانی، ابن ابی داود؛ المصاحف؛ دار الفاروق الحدیثة، ۲۰۰۲ م، نرم افزار المکتبة الشاملة، الاصدار الثاني.
۲۳. سیوطی، جلال الدین؛ الإتقان فی علوم القرآن؛ الطبعة الثانية، قم: ذوی القربی، ۱۴۲۹ق.
۲۴. شرعی، أبوزید؛ جمع القرآن؛ محمد، نرم افزار المکتبة الشاملة، الاصدار الثاني.
۲۵. طباطبائی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۵، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
۲۶. طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین؛ تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۲۷. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر؛ فضائل القرآن؛ الطبعة الأولى، بیروت: دار و مکتبة الهلال، ۱۹۸۶م.
۲۸. -----؛ فتح الباری بشرح صحیح البخاری؛ الطبعة الثانية، بیروت: دار المعرفة، [بی تا].
۲۹. علی الصغیر، محمد حسین؛ تاریخ القرآن؛ الطبعة الأولى، بیروت: دار المورخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۳۰. فراهیدی، الخلیل بن احمد؛ العین؛ الطبعة الأولى، قم: اسوه، ۱۴۱۴ق.
۳۱. متقی الهندی، علاء الدین علی؛ کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال؛ بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
۳۲. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار؛ بیروت: الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۳۳. معرفت، محمد هادی؛ التمهید فی علوم القرآن؛ الطبعة الثانية، قم: التمهید، ۱۴۲۹ق.
۳۴. -----؛ تلخیص التمهید؛ الطبعة الرابعة، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۲۲ق.
۳۵. -----؛ علوم قرآنی؛ ج ۳، قم: تمهید، ۱۳۸۰ش.
۳۶. معلم کلای، شمس الله؛ «تدوین مصحف یا باز نویسی آیات»، ماهنامه معرفت؛ ش ۱۵۲، مرداد ۱۳۸۹ش.
۳۷. ملاحویش آل غازی، عبد القادر؛ بیان المعانی؛ الطبعة الأولى، دمشق: [بی تا]، ۱۳۸۲ق.
۳۸. هیثمی، علی ابن ابی بکر؛ مجمع الزوائد؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق.
۳۹. یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب؛ تاریخ یعقوبی؛ بیروت: دار صادر، [بی تا].